

## حرف اول

### قضاوت بازی و بازی قضاوت

فرزان سجودی



خوب که نگاه می‌کنیم داور مسابقه فوتبال یا به قول گزارشگران تلویزیونی قاضی زمین وضعیت کاملاً منحصر به فردی دارد. از طرفی برداشت عمومی این است که او در جایگاه قاضی قرار دارد، هرچند قاضی یک بازی، پس بدیهی است که با مجموعه‌ای از قوانین سر و کار دارد که رفتار، اعمال و کلام قابل قبول را از آنچه غیرقابل قبول است متمایز می‌کند و غیرقابل قبول را در درجات متفاوت، از تذکر شفاهی گرفته تا کارت قرمز و اخراج از عرصه بازی مجازات می‌کند. این ظاهراً خیلی شبیه آن چیزی است که در جامعه می‌گذرد. مجموعه‌ای از قوانین، اجبار به پیروی از قوانین و مجازات در صورت عدم پیروی از آنها. البته مساله تفسیر هم پیش می‌آید که هم در جوامع معمولاً بحث بر سر چگونگی تفسیر قانون و ارتباط چگونگی تفسیر با قدرت سیاسی مطرح است.

ادامه در صفحه ۲

## ادامه از صفحه اول

### قضاوت بازی و بازی قضاوت

و هم در فوتبال، ظاهراً با حذف نفوذ قدرت سیاسی، بحث بر سر نقش تفسیر قوانین بر شدت مجازات مطرح می‌شود. اما نگاه دقیق‌تر نکاتی را به ذهن می‌آورد که ماجرا را کمی پیچیده‌تر می‌کند و قصد از نگارش این یادداشت هم در واقع طرح همین نکته‌هاست. ماهیت قضاوت در زمین فوتبال لحظه‌ای است، یعنی فاصله بین وقوع جرم، تشخیص آن، تشخیص خطا کار، بررسی نوع خطا و تعیین مجازات متناسب با خطا و اعمال آن بسیار کوتاه است و قاضی نمی‌تواند رسیدگی را به بررسی دقیق‌تر شواهد و مدارک موکول کند و باید در همان لحظه تصمیم بگیرد و رای خود را به اجرا بگذارد و بدیهی است که این امر امکان خطای خود قاضی را بالا می‌برد. ولی از سوی دیگر اگر چنین نباشد، بازی ماهیت بازی بودن خود را از دست می‌دهد، چون بازی در لحظه در جریان دارد و شور و هیجان آن در همین جریان متراکم آن در زمان است. نکته آنکه حتی اگر خطای قاضی در همان لحظه از سوی دیگران که ممکن است تماشاگر، بازیگر فوتبال یا متخصصان داوری و قوانین فوتبال باشند، تشخیص داده شود، و تردیدی هم در خطای او نباشد حکم او برگشت‌پذیر نیست و او در طول زمان بازی (و البته نه پس از آن) قدرت قطعی میدان است. این هم شاید ناشی از ماهیت بازی بودن فوتبال است. جای بحث و جدل و ارائه شواهد و مدارک و رجوع به کتاب قانون و وکیل و... در لحظه متراکم جریان بازی نیست که اگر چنان شود آن رویداد دیگر بازی نیست. هرچند گرچه قاضی در طول بازی حکمش قطعی است و این همان‌طور که گفته شد ناشی از ماهیت بازی بودن رویداد است و بازی با هر نتیجه‌ای که قاضی زمین حکم کند پایان می‌یابد و نتیجه تغییرپذیر هم نیست، حتی اگر آشکارا ظلمی شده باشد، در مورد خود قاضی ماجرا تمام نمی‌شود و یک شبکه چندلایه قضاوت در مورد قضاوت او با سطوح متفاوت قدرت اجرایی عمل می‌کند. نخستین، مهم‌ترین و همزمان‌ترین لایه این قضاوت در قضاوت، عمل رسانه است، داوری‌ای است که همزمان با جریان بازی گزارشگران، و دقیقاً بعد، کارشناسان داوری درباره قضاوت او می‌کنند و بی‌هیچ پروایی، آن را درست یا نادرست اعلام می‌کنند. اینجا دو نکته وجود دارد، یکم نقش رسانه است در ترویج این فکر که می‌توان درباره رای قاضی میدان هم نظر داد، حتی از تماشاگران به صورت تلفنی نظر گرفت، کار کارشناسی کرد و حکم داور را درست یا نادرست دانست. شاید کسی بگوید حکم قاضی زمین صادر شده است و بازی تمام شده است و حتی اگر در حق تیمی ظلمی شده باشد، این حرف‌ها دیگر فایده‌ای ندارد. در پاسخ باید گفت آری اما در درازمدت این نقدها و نظرها هم برای مخاطبان فرهنگ‌سازی می‌کند و هم برای داوران و باعث می‌شود داور حتی در لحظه قضاوت در زمین به وجود رسانه و نقد و ضرورت پاسخگویی به این نقدها فکر کند و خود را مسوول بداند و تا جای ممکن غیرمسئولانه حقی را از تیمی ضایع نکند. لایه دوم از این شبکه قضاوت در باب قضاوت تشکیلات رسمی‌ای است که این کار را می‌کند و بدیهی است که نسبت به رسانه از قدرت اجرایی بیشتری برخوردار است و خود چون دادگاهی عمل می‌کند و به اشتباهات و خطا کارهای قاضیان زمین رسیدگی می‌کند و حکم می‌دهد و احکامش هم لازم‌الاجرا هستند. جالب این است که در هر دو مورد، هم در رسانه و هم در تشکیلات رسمی رسیدگی به کار قاضی زمین فوتبال، شیوه قضاوت دیگرانی و لحظه‌ای نیست و مبتنی بر ارجاع به شواهد و مدارک است. حتی در پخش تلویزیونی که نزدیک‌ترین فاصله زمانی را با قضاوت در زمین دارد، از تکنیک‌های تصویری برای تشخیص استفاده می‌شود و بارها صحنه وقوع خطا از زوایای متفاوت نشان داده می‌شود تا درباره رای قاضی زمین قضاوت کند.

موضوع دیگر در مورد داوری در زمین فوتبال این است که هر چند از نام داور یا قاضی برای او استفاده می‌شود، ولی به نظر می‌رسد الزامات فوتبال به مثابه بازی حکم می‌کند که او نه فقط قاضی که کل دستگاه اعمال قدرت تنبیهی باشد، یعنی هم پلیس باشد که اعمال نظم کند، هم ضابط باشد و وقوع خطا را تشخیص دهد و متهم را شناسایی کند و هم قاضی باشد و حکم صادر کند و هم مسوول اجرای احکام و نظارت بر حسن انجام آن باشد. تجدیدنظر هم که اصولاً در کار نیست، پس داور میدان نه فقط داور که کل دستگاه اعمال قدرت تنبیهی در فوتبال است. و سرانجام اینکه بررسی ما تا اینجا فرض را بر این می‌گذارد که در فوتبال و دستگاه داوری آن چیزی به نام مافیا وجود ندارد، که ظاهراً همیشه چنین نیست. کاربرد عبارتی چون «گاوپندی شده» یا «داور پول گرفته» در بین تماشاگران فوتبال امری رایج و عادی است. قاضی میدان فوتبال به دلیل لحظه‌ای بودن قضاوت و تراکم زمانی که از ضروریات فوتبال به مثابه بازی است به هر حال ممکن است اشتباه کند و رسانه و دیگران هم بر کار او نظارت می‌کنند و او باید آنقدر شجاع باشد تا اشتباهش را بپذیرد. اما آقای قاضی زمین، چطور شب خوابت می‌برد وقتی به دلیل عمل غیرمسئولانه یا گاوپندی یا پول گرفتن، اشک چشم یک ملت چندملیونی را که تیم‌شان از میدان به در رفته است درمی‌آورد.